

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گرامی یاد داکتر رحیم محمودی – تایپ و ارسال: فائزه محمودی
۲۲ جنوری ۲۰۲۵

این دم شیر است به بازی مگیر

(۲)

باز پس از مدت دور و دراز
نائرة جنگ بپیچید باز
ز آتش طغیانی آز فرنگ
گیتی بشد غوطه ور رزم و جنگ
حرص و تمنای جهانخوار داشت
لشکر او بر همه عالم بتاخت
دست برون کرد و پا از گلیم
آز اثر کرده به عقل سلیم
حمله نمودند قشونش دو بار
در حرم و خانه مردان پار
کشور ما مورد جیش فرنگ
گشت و بشد ناحیه از خون رنگ
کشت و بسوزید، برید و شکست
شهر و ده و دهکده با خاک گشت
خیزش طوفانی مردم بخاست
دائرة آتش دشمن بکاست
بیلتن دشمن تبه و خرد شد
خاک و خاکستر این گرد شد
لشکر انگلیس دو و سی هزار
بر بشد از ضربت ما تار و مار
قلب و سر دشمن ما چاک گشت

مملکت از لوٹ عدو پاک گشت
گفت به خود دولت برتائیا
تو زن افسرده وکتوریا
آرزو ها در شکن خود شکست
چشم طمع دیده ما را بیست
چند ندانیم که زین رستمان
لشکر بیگانه ندارد امان
این دم شیر است به بازی مگیر
دست مینداز به پیکان و تیر
ای شریـــــر! ای شریـــــر!

بار دگر جنس تزار نوین
بود بسی هفته و ماه در کمین
رشته دوانید و بشد آشنا
بر ورق دفتر و رمز سپاه
دست پلیدش بشد هر سو دراز
تا که بشد محرم اسرار و راز
ساخت یکی باند "مدرن و جدید"
باند خودش بود و خودش ناپدید
بر سر این باند بزد مُهر حزب
هیچ نبودش به جز از ریو کذب
خلق بنامید و خودش ضد خلق
پرچمی اش خائن و جاسوس شرق
از ته این باند بسی خر بساخت
از سر این باند سه رهبر بساخت
بر سر این حلقه خودش چون نگین
پیرو این حلقه جبین بر زمین
عاقبت الامر بشد کودتا
گشت نگون سلطه داوود شاه
لشکر روس آمد و اشغال کرد
صحن وطن یکسره پامال کرد
پرچمی و خلقی به فرمان زار
قطع نمودند سر بیشمار
مردم هر دهکده بیدار شد

دود ز هر بیشه پدیدار شد
آتش این دود بسوزید خصم
شیوه دیرینه چنین بود و رسم
شور بیفتاد به هر شهر و ده
جنگ نما تن به غلامی مده
خلق بایستاد به پا همچو کوه
مردم این خطه چنین داشت خو
از خطر و شدت مردان راد
زلزله در کاخ کرملین قتاد
گفت جنف* رو به سوی اندره
حرف مرا بگیر تو در خاطره
حسرت و ارمان ظفر را به خاک
می برم اندر شب تار مگاک
گر شنوی حرف من ای خیره سر
حاصل این حمله شکست است و شر
این دم شیر است به بازی مگیر
دست مینداز به پیکان و تیر
ای شریـــــر! ای شریـــــر!

* - جنف- بریجنف